



مدیریت اسلامی در سازمان‌های ورزشی

(مطالعه موردی: وزارت ورزش و جوانان)

دکتر نازنین راسخ

دکتر حمید قاسمی

دکتر سعید جعفری

دکتر ابوالفضل گائینی

زیر نظر:

دکتر شمس السادات زاهدی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پاییز ۱۴۰۴

مدیریت اسلامی در سازمان‌های ورزشی (مطالعه موردی: وزارت ورزش و جوانان) / نازنین راسخ... [و دیگران]:
زیر نظر شمس السادات زاهدی. -- قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۴.
ده، ۲۲۵ص. -- (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۷۹۰؛ مدیریت: ۶۱)

ISBN: 978-600-298-553-8

بها: ۳۰۰۰۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

نازنین راسخ، حمید قاسمی، سعید جعفری، ابوالفضل گائینی.

کتابنامه: ص. [۲۱۱]-۲۱۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. ایران. وزارت ورزش و جوانان -- کارمندان و کارکنان -- نمونه‌پژوهی. ۲. مدیریت (اسلام) -- نمونه‌پژوهی.

۳. Management -- Religious aspects -- Islam -- Case studies. ۴. ورزش -- ایران -- مدیریت -- نمونه‌پژوهی.

۵. Sports administration -- Iran -- Case studies.

الف. راسخ، نازنین، ۱۳۵۶. ب. زاهدی، شمس السادات، ۱۳۲۳. ج. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

BP۲۳۲/۶۷

۲۹۷/۶۵۸

۱۰۲۰۳۴۶۵

شماره کتابشناسی ملی



مدیریت اسلامی در سازمان‌های ورزشی (مطالعه موردی: وزارت ورزش و جوانان)

مؤلفان: دکتر نازنین راسخ (عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران)، دکتر حمید قاسمی (عضو هیئت‌علمی دانشگاه

پیام نور)، دکتر سعید جعفری، دکتر ابوالفضل گائینی (عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه عضو دانشگاه)

ناظر علمی: دکتر شمس السادات زاهدی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ویراستار: عاطفه خدایی

صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه

چاپ اول: پاییز ۱۴۰۴

تعداد: ۱۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۳۰۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۸-۵۵۳-۸

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

(انتشارات ۳۲۱۱۳۰۰) شماره: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص.پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

فروشگاه اینترنتی: https://shop.rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظرگرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه السلام، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۷۹۰ عنوان کتاب و ۹ نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر می‌تواند به‌عنوان منبع درسی برای دانشجویان کارشناسی مدیریت و نیز مدیران و کارکنان علاقه‌مند به تلفیق دانش مدیریت و آموزه‌های دینی در عرصه ورزش، مورد استفاده قرار گیرد.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلفان محترم اثر، دکتر نازنین راسخ، دکتر حمید قاسمی، دکتر سعید جعفری و دکتر ابوالفضل گائینی، و نیز از ناظر محترم طرح، دکتر شمس‌السادات زاهدی، همچنین ارزیاب محترم طرح، دکتر حسن سلطانی سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
بخش یکم: مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش	
فصل اول: مبانی نظری مدیریت و مدیریت اسلامی	
مقدمه.....	۵
۱. تعریف مدیریت.....	۵
۲. اهمیت و ضرورت مدیریت در آیات و روایت‌های اسلامی.....	۶
■ مدیریت به‌عنوان عامل سعادت و شقاوت جامعه.....	۸
■ جایگاه والای مدیریت و مسئولیت سنگین.....	۸
■ مدیریت به‌عنوان عامل قوام و دوام جامعه.....	۹
■ مدیریت به‌عنوان عامل بقای دین.....	۹
■ اجر اخروی برای مدیریت عدالت‌پیشه.....	۹
■ مدیریت عرصه‌ای برای رقابت.....	۹
■ مدیریت به‌عنوان عاملی برای اصلاح جامعه.....	۱۰
■ الزام به تعیین مدیر در اجتماعات بیش از یک نفر.....	۱۰
۳. مشخصه‌های رهبران و مدیران از دیدگاه اسلام.....	۱۰
الف) ویژگی‌ها و مشخصه‌های مدیران در قرآن کریم.....	۱۰
ب) ویژگی‌ها و مشخصات مدیران از دیدگاه معصومین.....	۱۳
■ مشخصه‌های مدیران از منظر پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>	۱۳
■ مشخصه‌های مدیران از منظر امیرمؤمنان علی <small>علیه السلام</small>	۱۳
۴. مدیریت از دیدگاه اسلام.....	۱۶
۵. تعاریف مدیریت اسلامی.....	۱۷
۶. برداشت‌های گوناگون از «مدیریت اسلامی».....	۲۳
۷. مدیریت اسلامی و دانش مدیریت.....	۲۷

۲۹	۸. سبکی در نظریه‌های اندیشمندان مدیریت اسلامی.....
۳۳	۹. فرایند شکل‌گیری علم مدیریت اسلامی.....
۳۴	۱۰. ماهیت علم مدیریت به‌عنوان علم نافع.....
۳۸	۱۱. حوزه شمول مدیریت اسلامی.....
۴۴	۱۲. رویکردها به مدیریت اسلامی.....
۴۵	الف) رویکردهای اسلامی‌سازی علوم.....
۴۶	ب) تولید مبانی علم دینی.....
۴۶	ج) ساحت‌های علم دینی.....
۴۶	د) سطح‌بندی علم دینی.....
۵۴	۱۳. روش‌شناسی مدیریت اسلامی.....
۶۵	۱۴. اهمیت و ضرورت برنامه‌ریزی از دیدگاه اسلام.....
۶۷	۱۵. اصول برنامه‌ریزی در اسلام.....
۶۸	۱. اصل تبعیت.....
۶۸	۲. اصل شفافیت و وضوح.....
۶۹	۳. اصل سهولت و سماهت.....
۶۹	۴. اصل انعطاف.....
۷۰	۵. اصل پیش‌بینی.....
۷۰	۶. اصل مشیت.....
۷۱	۷. اصل همسویی.....
۷۲	۸. اصل اعتدال.....
۷۳	۹. اصل بصیرت.....
۷۴	۱۰. اصل عدالت‌گستری.....
۷۴	۱۱. اصل فرصت‌گرایی و تهدیدزدایی.....
۷۶	۱۲. اصل استمرار توأم با تأمل.....
۷۷	۱۶. سبک‌های رهبری در مدیریت اسلامی.....
۷۷	■ سبک رهبری ناصحانه.....
۸۲	■ سبک رهبری رحمانی.....
۸۳	■ سبک رهبری صبورانه.....
۸۵	■ سبک زندگی مراوده‌ای.....
۸۷	■ سبک رهبری اعتدالی.....

فصل دوم: مفاهیم نظری مدیریت ورزشی

۹۳	۱. مقدمه.....
۹۳	۲. انواع الگوهای فعالیت بدنی در علوم ورزشی.....
۹۶	۳. کاربرد فلسفه در تربیت بدنی و علوم ورزشی.....

۹۸	۴. انواع مکاتب فلسفی.....
۹۹	■ مکتب طبیعت‌گرایی یا نچرال‌یسم.....
۱۰۱	■ آرمان‌گرایی یا ایدئالیسم.....
۱۰۳	■ واقع‌گرایی یا رئالیسم.....
۱۰۶	■ اصالت‌عمل یا پراگماتیسم.....
۱۰۸	■ اصالت انسان یا اومانیزم.....
۱۱۰	■ اصالت وجود یا اگزستانسیالیسم.....
۱۱۱	۵. فلسفه ادیان و تربیت بدنی.....
۱۱۴	۶. اخلاق ورزشی.....
۱۱۷	۷. وزارت ورزش و جوانان.....
۱۱۸	■ تاریخچه تشکیل وزارت ورزش و جوانان.....
۱۲۰	■ اهداف وزارت ورزش و جوانان.....
۱۲۰	■ وظایف کلی وزارت ورزش و جوانان.....
۱۲۰	الف) حوزه ورزش.....
۱۲۱	ب) حوزه جوانان.....
۱۲۲	■ نمودار تشکیلاتی وزارت ورزش و جوانان.....

فصل سوم: پیشینه پژوهش‌های مدیریت اسلامی و سازمان‌های ورزشی

۱۲۳	۱. مقدمه.....
۱۲۳	الف) پیشینه تحقیق‌های انجام شده داخلی.....
۱۴۵	■ انسان‌مداری در مدیریت اسلامی.....
۱۴۶	■ مفاهیم مدیریت و رهبری اسلامی.....
۱۴۶	۱. مفهوم مدیریت.....
۱۴۶	۲. مفهوم رهبری.....
۱۴۶	■ اهداف مدیریت اسلامی.....
۱۴۷	۲. استخراج مفاهیم کلیدی از تحقیقات انجام شده در خصوص مدیریت اسلامی.....
۱۵۳	ب) پیشینه پژوهش‌های انجام گرفته خارجی.....
۱۵۹	۳. چارچوب مفهومی تحقیق.....
۱۵۹	۴. جمع‌بندی.....

بخش دوم: یافته‌های پژوهش و تدوین مدل مدیریت اسلامی در سازمان‌های ورزشی فصل چهارم: روش‌شناسی پژوهش

۱۶۳	۱. مقدمه.....
۱۶۳	۲. روش تحقیق.....
۱۶۴	۳. نوع تحقیق.....

۱۶۵	۴. جامعه و نمونه آماری.....
۱۶۶	۵. ابزار اندازه‌گیری و روش جمع‌آوری داده‌ها.....
۱۶۶	الف) ابزار پژوهش بخش کیفی:.....
۱۶۷	ب) ابزار پژوهش بخش کمی:.....
۱۶۷	۶. روایی و پایایی ابزار اندازه‌گیری.....
۱۶۷	– روایی و پایایی ابزار اندازه‌گیری در بخش کیفی.....
۱۶۸	■ مقبولیت (روایی درونی).....
۱۶۸	■ انتقال‌پذیری (روایی بیرونی).....
۱۶۹	■ تأییدپذیری (عینیت).....
۱۶۹	■ قابلیت اطمینان (پایایی).....
۱۷۰	– روایی و پایایی ابزار اندازه‌گیری در بخش کمی.....
۱۷۰	■ روایی محتوایی.....
۱۷۱	■ پایایی.....
۱۷۱	۷. روش اجرای پژوهش.....
۱۷۱	۸. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها.....
۱۷۱	الف) روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی.....
۱۷۲	ب) روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کمی.....
۱۷۲	۹. تحلیل کیفی.....
۱۷۲	– اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان.....
۱۷۵	■ کدگذاری اولیه.....
۱۷۷	■ کدگذاری متمرکز.....
۱۸۰	۱۰. ساخت نظریه.....
۱۸۱	■ خوشه اول: خصوصیت‌ها و معیارهای تخصصی در سازمان‌های ورزشی.....
۱۸۱	■ خوشه دوم: خصوصیت‌ها و معیارهای ساختاری سازمان‌های ورزشی.....
۱۸۱	■ خوشه سوم: خصوصیت‌ها و معیارهای ارزشی سازمان‌های ورزشی.....
۱۸۲	۱۱. ارائه مدل.....
۱۸۳	۱۲. تحلیل کمی.....
۱۸۳	■ اطلاعات جمعیت‌شناختی نمونه‌های تحت بررسی.....

فصل پنجم: نتیجه‌گیری

۱۹۱	۱. مقدمه.....
۱۹۳	۲. بحث و بررسی یافته‌های بخش کیفی تحقیق.....
۱۹۳	■ خوشه اول: خصوصیت‌ها و معیارهای تخصصی در سازمان‌های ورزشی.....
۱۹۵	■ خوشه دوم: خصوصیت‌ها و معیارهای ساختاری در سازمان‌های ورزشی.....
۱۹۹	■ خوشه سوم: خصوصیت‌ها و معیارهای ارزشی.....

۲۰۴	۳. بحث و بررسی یافته‌های بخش کمی تحقیق.....
۲۰۵	۴. نتیجه‌گیری کلی.....
۲۰۷	۵. پیشنهادهای کاربردی.....
۲۰۹	۶. پیشنهادهای پژوهشی.....
۲۰۹	۷. محدودیت‌های تحقیق.....
۲۱۱	منابع
۲۲۱	پیوست
۲۲۱	الف) سؤالات عمومی.....
۲۲۲	ب) سؤالات اختصاصی.....

فهرست جداول

۱۵	جدول ۱-۱. خصیصه‌های یک مدیر مسلمان.....
۱۹	جدول ۱-۲. مروری بر تعاریف مدیریت از دیدگاه اندیشمندان اسلامی.....
۲۲	جدول ۱-۳. مروری بر تعاریف مدیریت از دیدگاه سایر محققین اسلامی.....
۹۳	جدول ۲-۱. انواع الگوهای فعالیت بدنی در علوم ورزشی.....
۹۴	جدول ۲-۲. انواع دسته‌بندی از مفهوم ورزش.....
۹۵	جدول ۲-۳. انواع مؤلفه‌های ورزش در ساختارهای اجتماعی.....
۹۶	جدول ۲-۴. انواع سازمان‌های ورزشی (مأموریت، اهداف) (گومز، اوپازو، مارتی، ۲۰۰۸).....
۹۷	جدول ۲-۵. برخی از مهم‌ترین کاربردهای فلسفه در تربیت بدنی و علوم ورزشی (خلجی، ۱۳۷۵).....
۹۷	جدول ۲-۶. رویکردهای فلسفی نسبت به بدن.....
۹۹	جدول ۲-۷. برخی مکاتب فلسفی (گوتگ جرالده، ۱۳۸۲).....
۹۹	جدول ۲-۸. اجزای فلسفه با رویکردهای مکتب طبیعت‌گرایی (گوتگ جرالده، ۱۳۸۲).....
۱۰۰	جدول ۲-۹. دیدگاه برخی دانشمندان طبیعت‌گرا به امور تربیتی (گوتگ جرالده، ۱۳۸۲).....
۱۰۱	جدول ۲-۱۰. دیدگاه برخی دانشمندان ایده آل‌گرا (گوتگ جرالده، ۱۳۸۲).....
۱۰۲	جدول ۲-۱۱. اجزای فلسفه با رویکردهای مکتب ایدئالیسم (گوتگ جرالده، ۱۳۸۲).....
۱۰۳	جدول ۲-۱۲. دیدگاه برخی دانشمندان رئالیسم یا واقع‌گرا (گوتگ جرالده، ۱۳۸۲).....
۱۰۶	جدول ۲-۱۳. اجزای فلسفه با رویکردهای مکتب رئالیسم (گوتگ جرالده، ۱۳۸۲).....
۱۰۷	جدول ۲-۱۴. دیدگاه برخی دانشمندان پراگماتیسم یا تجربه‌گرا (گوتگ جرالده، ۱۳۸۲).....
۱۰۷	جدول ۲-۱۶. اجزای فلسفه با رویکردهای مکتب پراگماتیسم یا عمل‌گرا (گوتگ جرالده، ۱۳۸۲).....
۱۰۹	جدول ۲-۱۷. اجزای فلسفه با رویکردهای مکتب اومانیزم (گوتگ جرالده، ۱۳۸۲).....
۱۱۰	جدول ۲-۱۸. دیدگاه برخی دانشمندان اگزیستانسیالیسم یا اصالت‌وجودگرا (گوتگ جرالده، ۱۳۸۲).....
۱۱۱	جدول ۲-۱۹. اجزای فلسفه با رویکردهای مکتب اگزیستانسیالیسم یا اصالت‌وجودگرا (گوتگ جرالده، ۱۳۸۲).....
۱۱۱	جدول ۲-۲۰. رویکرد فلسفه‌های دینی به ورزش و تربیت بدنی (بهشتی و نیکویی، ۱۳۸۹).....
۱۱۳	جدول ۲-۲۱. رویکرد تکامل‌گرایی در مراحل مختلف زندگی بشر.....

جدول ۲-۲۲. ابعاد مورد بررسی در علم اخلاق.....	۱۱۴
جدول ۲-۲۳. محورهای تشخیص اخلاقی بودن یک تصمیم یا راه‌حل.....	۱۱۶
جدول ۲-۲۴. محورهای عدالت در اخلاق ورزشی.....	۱۱۶
جدول ۲-۲۵. رویکردهای فلسفه دینی در مواجهه با مسائل دنیوی برای بازداري از رفتار غیراخلاقی.....	۱۱۷
جدول ۳-۱. استخراج مفاهیم کلیدی از تحقیق.....	۱۴۸
جدول ۴-۱. نوع تحقیق حاضر.....	۱۶۵
جدول ۴-۲. روایی درونی و بیرونی، پایایی و عینیت.....	۱۶۷
جدول ۴-۳. روش‌های افزایش مقبولیت تحقیق (پیتنی و پارکر، ۲۰۰۹).....	۱۶۸
جدول ۴-۵. میزان درصد پایایی بازآزمون.....	۱۷۰
جدول ۴-۶. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در تحقیق (فاز کیفی).....	۱۷۳
جدول ۴-۷. کدگذاری اولیه متن مصاحبه‌ها.....	۱۷۵
جدول ۴-۸. کدگذاری متمرکز مبتنی بر نتایج حاصل از کدگذاری اولیه.....	۱۷۷
جدول ۴-۹. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌های تحت بررسی (بخش کمی).....	۱۸۴
جدول ۴-۱۰. بار عاملی، پایایی و روایی همگرا.....	۱۸۵
شکل ۴-۴. مدل آزمون شده مدیریت اسلامی در سازمان‌های ورزشی در حالت معنی‌داری.....	۱۸۸
شکل ۴-۵. مدل آزمون شده مدیریت اسلامی در سازمان‌های ورزشی در حالت استاندارد.....	۱۸۹

فهرست اشکال

شکل ۱-۱. مشخصه‌های مدیران از منظر پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>	۱۳
شکل ۱-۲. سطوح مدیریت در سازمان آخرت‌گرا.....	۱۷
شکل ۱-۳. فرایند شکل‌گیری علم مدیریت اسلامی.....	۳۴
شکل ۱-۴. مدل مفهومی رویکردهای مدیریت اسلامی.....	۴۵
شکل ۱-۵. رویکردهای موجود به مدیریت اسلامی.....	۵۲
شکل ۱-۶. روش‌شناسی مطالعات مدیریت اسلامی.....	۶۱
شکل ۱-۷. انواع ارتباطات در سبک رهبری ناصحانه.....	۷۹
شکل ۱-۸. حقوق ناصحان در صحیفه سجاده.....	۸۱
شکل ۱-۹. مدل مفهومی از مختصات سبک رهبری رحمانی پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>	۸۳
شکل ۲-۱. نمودار تشکیلاتی وزارت ورزش و جوانان.....	۱۲۲
شکل ۳-۱. چارچوب مفهومی تحقیق.....	۱۵۹
شکل ۴-۱. طرح آمیخته متوالی اکتشافی (دانایی فرد، ۱۳۸۶).....	۱۶۴
شکل ۴-۲. مدل مفهومی مدیریت اسلامی در سازمان‌های ورزشی (مطالعه موردی: وزارت ورزش و جوانان).....	۱۸۲
شکل ۴-۳. مدل مدیریت اسلامی در سازمان‌های ورزشی (مطالعه موردی: وزارت ورزش و جوانان).....	۱۸۳

پیشگفتار

مدیریت به شکل‌های مختلف و متفاوت در طول تاریخ وجود داشته و به صور گوناگون، زمینه پایداری و دوام و قوام تمدن‌ها و حکومت‌ها را فراهم ساخته است. با پیشرفت علم و افزایش آگاهی بشر در استفاده از امکانات و توانایی‌های خود، تأثیر مدیریت در پیشرفت بشر نیز فزونی یافت و همراه با آن، نظریه‌های مختلف و متفاوتی که از منظرهای گونه‌گون به انسان نگاه می‌کردند نیز ارائه گردید. به نظر این‌جانب، وجه مشترک تمامی این نظریه‌ها، هدف‌گرا بودن و توجه به نتیجه کار است و در این راستا، به انسان نیز گاه هم‌سنگ ابزار و گاه به آن در سطوح بالاتر توجه شده است. آنچه که هست اینکه در هر حال توجه به انسان نیز در راستای افزایش تولید و نتیجه اقتصادی مطلوب انجام شده است.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و حضور یک حکومت مذهبی که زمینه‌های نظری اداره امور حکومتی در آن، بر پایه ارزش‌های دینی و مذهبی استوار بوده و اعمال حکومت تحت تأثیر نگرش الهی انسان قرار گرفته است، به مدیریت به‌عنوان یکی از وجوه اداره حکومت و فرایندی که باید تحت تأثیر نگرش تازه و جدید ارزشی حاکم بر کل جامعه قرار داشته باشد، توجه شده، از سویی دیگر رویکرد اسلامی در مطالعات مدیریت، فضای مهمی از پژوهش را برای محققان مدیریت فراهم کرده است.

مجموعه حاضر حاوی دو بخش و پنج فصل است. بخش اول از سه فصل تشکیل شده است. در فصل اول، در به مبانی نظری مدیریت و مدیریت اسلامی؛ در فصل دوم، به ارائه مفاهیم نظری مدیریت ورزشی و در فصل سوم به بررسی پیشینه پژوهش‌های مدیریت اسلامی و سازمان‌های ورزشی پرداخته شده است.

بخش دوم که از دو فصل تشکیل شده، در صدد تدوین یافته‌های پژوهش و تدوین مدل مدیریت اسلامی در سازمان‌های ورزشی با تأکید بر وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران است.

در فصل چهارم به روش‌شناسی پژوهش و در فصل پنجم به نتیجه‌گیری پرداخته شده است. اقدامات مؤلفان این کتاب، برای نخستین بار است که به صورت علمی و کاربردی، در کشور صورت گرفته است. ضمن اذعان به وجود کاستی‌هایی در این کار، دقت نظر خبرگان و صاحب‌نظران عرصه مدیریت اسلامی و علوم ورزشی را می‌طلبد تا با بیان دیدگاه‌ها، انتقادات و پیشنهادهای مؤثر، مؤلفان را در بهبود چاپ‌های بعدی یاری کنند.

در پایان از همه استادان، خبرگان و مدیران حوزه مدیریت اسلامی و علوم ورزشی قدردانی می‌کنیم که ما را در انجام کارهای میدانی این تحقیق یاری کردند. از مسئولین پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی که امکان اجازه این تحقیق را فراهم کردند و از زحمات سرکار خانم دکتر شمس السادات زاهدی که زحمت نظارت بر این تحقیق را تقبل فرمودند نیز تقدیر می‌کنیم.

از خداوند متعال برای همه این بزرگواران و کسانی که خالصانه، عمر شریف خود را در تحقق مدیریت اسلامی در سازمان‌های ورزشی صرف می‌کنند، توفیق و سلامتی کامل را آرزو داریم.

به امید تحقق مدیریت اسلامی در سازمان‌های ورزشی

نازنین راسخ و تیم تحقیق

تابستان ۱۴۰۳

بخش یکم

مروری بر مبانی نظری

و پیشینه پژوهش

فصل اول

مبانی نظری مدیریت و مدیریت اسلامی

مقدمه

در جهان معاصر «سازمان‌ها» رکن اصلی جامعه‌اند. شرایط مختلف زمانی و مکانی و نیازهای گوناگون انسان‌ها باعث ظهور و گسترش روزافزون سازمان‌ها و مؤسسه‌های مختلف شده‌اند. این سازمان‌ها تقریباً در تمامی ابعاد زندگی انسان امروزی، از هنگام تولد تا مرگ، تأثیرگذارند. بدیهی است، سازمان‌ها هنگامی می‌توانند در به‌انجام‌رساندن مأموریت‌ها و رسیدن به اهداف خود موفق شوند که از مدیریتی توانمند و کارآمد برخوردار باشند؛ زیرا «مدیریت» مهم‌ترین عامل تداوم حیات و استمرار موفقیت سازمان است و نقشی بسیار مهم و حیاتی در رشد، بالندگی و پیشرفت سازمان را بر عهده دارد.

۱. تعریف مدیریت

برای مدیریت تعاریف بسیاری از سوی صاحب‌نظران ارائه شده است که در اینجا به ذکر موارد زیر بسنده می‌شود:

۱. مدیریت، مجموعه‌ای از فعالیت‌ها (شامل برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، سازمان‌دهی، رهبری و کنترل) بر منابع سازمان (انسانی، مالی، فیزیکی و اطلاعات) باهدف دستیابی به مقاصد سازمان به شیوه کارا و اثربخش است (گریفین، ۲۰۱۲).

۶ مدیریت اسلامی در سازمان‌های ورزشی (مطالعه موردی: وزارت ورزش و جوانان)

۲. فرایند برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، رهبری و کنترل استفاده از منابع به منظور انجام اهداف عملکردی است (چرمون،^۱ ۲۰۱۲).

۳. هنر انجام دادن کارها با و به وسیله دیگران (استونر و فریمن،^۲ ۲۰۱۹).
با استفاده از تعاریف فوق، می‌توان تعریف نسبتاً جامعی از مدیریت ارائه داد و آن اینکه: «مدیریت عبارت است از دانش و هنر به کارگیری منابع سازمانی (انسانی، مالی، فیزیکی و اطلاعاتی) برای دستیابی به اهداف سازمان به شیوه مطلوب».

۲. اهمیت و ضرورت مدیریت در آیات و روایت‌های اسلامی

در منابع دینی برای اهمیت مدیریت و مدیران شایسته، مطالب بسیاری را می‌توان یافت که مواردی در ذیل، آورده شده است:

نخست اینکه مدیریت ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای هر سازمان و اجتماع است؛ زیرا در نبود آن، رشته کارها از هم می‌گسلد و شیرازه امور از هم می‌پاشد و از اساس، هدفی، مشخص نمی‌گردد تا میزان دستیابی به آن در موفقیت، ارزیابی شود. از این رو، امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در روایتی ضرورت مدیریت در سطح کلان جامعه را چنین بیان می‌فرماید:
«لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ»^۳

چاره‌ای نیست برای مردم که امیر (مدیر) داشته باشند؛ خواه نیکوکار باشد خواه تباه‌کار. در این کلام، ضرورت مدیریت، صرف نظر از اینکه چه کسی عهده‌دار آن باشد (فرد نیک‌کردار و یا ناصالح) به خوبی بیان شده است؛ به این بیان که وجود مدیر ناشایست بهتر است از فقدان مدیر در سازمان یا جامعه؛ زیرا در صورت نبود مدیر یا حاکم، هرج و مرج سازمانی رُخ می‌نماید؛ منابع به هدر می‌رود؛ در جامعه نیز نظم و انضباط از بین رفته و شیرازه امور از هم می‌پاشد و هزینه این موارد برای سازمان و جامعه به مراتب سنگین‌تر از وجود مدیران ناشایست است؛ اما در سطح خرد و کوچک نیز پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ضرورت مدیریت را چنین بیان می‌کند:
«إِذَا كَانَ ثَلَاثَةٌ فِي سَفَرٍ، فَلْيُؤَمِّرُوا أَحَدَهُمْ»^۴.

1. Schermerhorn

2. Stoner & Freeman

۳. نهج البلاغه، خطبه ۴۰.

۴. المتقی هندی، کنز العمال، ج ۶، ص ۷۱۷، ح ۱۷۵۵۰.

هنگامی که سه نفر در سفر بودند، باید از یک نفرشان، فرمان ببرند. در جایی که سه نفر نیاز به مدیر داشته باشند، حساب مجموعه‌های بزرگ‌تر کاملاً روشن می‌شود و ضرورت مدیریت در آنها پرواضح خواهد بود؛ بنابراین، برای هر مجموعه‌ای جهت انجام هر کاری، وجود مدیر ضروری است، اما انجام کارهای مهم، نیازمند مدیران توانمندی است که اهمیت و حساسیت کارها، آنها را در مانده و مغلوب نسازد و کثرت کارها، موجب پریشانی و خستگی آنها نشود؛ و این، ضرورتی است که در کلمات امیر مؤمنان علی (علیه السلام) به مالک اشتر، چنین آمده است:

«وَ اجْعَلْ لِرَأْسِ كُلِّ أَمْرٍ مِنْ أُمُورِكَ رَأْسًا مِنْهُمْ، لَا يَقْهَرُهُ كَبِيرُهُمْ وَلَا يَتَشَتُّ عَلَيْهِ كَثِيرُهُمْ»^۱

باید برای رأس هر کاری یک رئیس انتخاب کنی؛ رئیسی که کارهای مهم، وی را مغلوب و در مانده نسازد و کثرت کارها او را پریشان و خسته نکند.

تنها مدیرانی از اشتغال به کارهای بزرگ و زیاد، در مانده و سرگردان نمی‌شوند که در مدیریت خویش دارای اسلوب صحیحی باشند و با برنامه‌ریزی و نظارت صحیح، به درستی از امکانات استفاده کنند.

اساساً یکی از مهم‌ترین عوامل رشد و ترقی کشورها، وجود مدیران توانمندی است که با استفاده مناسب و بهینه از امکانات، مسیر پیشرفت و تعالی را هموار می‌کنند و در زمانی کوتاه، دستاوردهای حیرت‌انگیزی را به ارمغان می‌آورند. آنان با کمترین منابع و امکانات، بهترین عملکرد را به نمایش می‌گذارند و بیشترین ثمر و نتیجه را عاید سازمان‌های خود می‌کنند؛ مدیرانی که با بهره‌گیری از علم و هنر مدیریت و استمداد از پروردگار خویش، تمام توان خود را در طبق اخلاص می‌گذارند و چشمداشتی به مواهب و عطایای مادی آن ندارند؛ آنان مدیریت خویش را امانتی الهی می‌دانند و کمترین خیانت را به آن روا نمی‌دارند؛ خود را مسئول منابع و امکانات می‌دانند و در استفاده از آنها نهایت دقت را مبذول می‌کنند؛ خود را برتر و والاتر از مجموعه تحت امر خویش نمی‌شمرند و هرگز به دیده ابزاری به آنان نمی‌نگرند. بدون اغراق باید گفت چنین مدیرانی، سرمایه عظیم یک کشور و رمز موفقیت آن محسوب می‌شوند. برخی از ضرورت‌ها و دلایل اهمیت مدیریت در آیات و روایت‌های اسلامی را می‌توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

■ مدیریت به‌عنوان عامل سعادت و شقاوت جامعه

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «صنفان من أمتی اذا صلحا صلحت أمتی و اذا فسدا فسدت أمتی. قيل: یا رسول الله و من هم؟ قال: القیاء و الأمراء»؛ «دو گروه از امت من هستند که اگر صالح باشند، امت من هم خوب و شایسته می‌شوند و اگر فاسد شوند، امت من نیز به فساد می‌گیرند. پرسیدند: ای رسول خدا آن دو گروه کدام‌اند؟ پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: فقیهان و زمامداران» (بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۵۴)، این فرمایش پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مبین این واقعیت است که اگر جامعه‌ای خواهان پیشرفت و سعادت است باید با اتکا به دو بال فقیه و مدیر، ضمن شناخت پیدا کردن درباره مسائل فقهی، توان اداره امور جامعه را داشته باشد، مطلوب آن است که مدیرانی فقیه و دین‌شناس بر مسند امور قرار گیرند؛ ولی از آنجاکه جمع‌شدن تخصصی دین‌شناسی و مدیریت در یک فرد، امری دشوار است (این دو تخصص و توانایی در ولی فقیه جامع‌الشرایط جمع است)، لذا سیاست‌ورزی مدیران باید در سایه رهنمودهای عالمان دینی و بهره‌گیری از قواعد فقهی محقق گردد. با عنایت به این حدیث گران‌بها می‌توان دریافت که اولاً: از دیدگاه اسلام، دین باید در کلیه امور جامعه جریان پیدا کند و درباره سرنوشت جامعه حساس باشد؛ ثانیاً: براین اساس می‌توان نتیجه گرفت که یکی از دو عامل اصلی نیک‌بختی و بدبختی هر جامعه‌ای، عنصر مدیریت است. مدیریت، در پیشرفت و عقب‌ماندگی جامعه دارای نقش کلیدی است؛ ثالثاً سبکی از مدیریت را اسلام تأیید می‌کند که قواعد و ارزش‌های اسلامی همانند چتری بر آن سایه انداخته باشد.

■ جایگاه والای مدیریت و مسئولیت سنگین

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرمایند: «سلطان عادل سایه خدا بر روی زمین است؛ هر که وی را گرامی دارد، خدایش گرامی دارد و هر که وی را خوار کند، خدایش خوار کند» (همان، ص ۱۱۷). پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همچنین می‌فرمایند: «هر کس عهده‌دار کاری از امور امت من شود و نسبت به آنان حسن‌نیت به خرج دهد، خداوند متعال هیبت در دل‌های آنان را روزی فرماید و هر کس دست احسان خود را به روی آنان بگشاید، محبت و دوستی ایشان را روزی اش گرداند» (بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۳۵۹، به نقل از مزینانی). پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همچنین می‌فرمایند: «هر زمامداری چیزی از کار امت مرا به دست گیرد و در کار آنها مثل کارهای خصوصی خود

دل‌سوزی و کوشش نکند، روز رستاخیز خداوند او را وارونه در آتش اندازد» (پیمانی و شریعتی، ۱۳۸۵، ص ۲۹۳).

■ مدیریت به‌عنوان عامل قوام و دوام جامعه

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «... هیچ فرقه و ملتی را نمی‌یابیم که پایدار مانده و زندگی کرده باشند، مگر با داشتن فرمانروایی قوام‌بخش و این از آن‌رو است که مردم ناچارند برای امر دین و دنیای خود حاکمی داشته باشند تا آنها را سرپرستی کند... و زندگی مردم بدون آن حاکم، قوام و سامان نمی‌یابد» (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۴۳۲-۴۳۳).

■ مدیریت به‌عنوان عامل بقای دین

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «اگر برای مردم، امام و رهبری توانا، امانت‌دار، نگهبان و پاک‌دست (عادل) قرار داده نمی‌شد، آیین نابود می‌شد، دین از بین می‌رفت، سنت‌ها و احکام الهی تغییر می‌یافت، بدعت‌گذاران بر آن می‌افزودند و ملحدان از آن می‌کاستند و مسلمانان به شبهه دچار می‌شدند» (همان، ص ۴۳۲).

■ اجر اخروی برای مدیریت عدالت‌پیشه

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر که کاری از کارهای مردم را بر عهده گیرد و عدالت‌پیشه کند و در خود را بر روی مردم بگشاید و موانع بین خود و آنها را از میان بردارد و خدمت به مردم را ملاک کار و نظر قرار دهد، خدا را سزاست که او را در روز قیامت از هراس خطر آتش دوزخ، امان دهد و به بهشت درآورد» (همان، ص ۴۳۷).

■ مدیریت عرصه‌ای برای رقابت

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الولايات مضامر الرجال»؛ «فرمانروایی، میدان مسابقه مردان است» (نهج البلاغه، حکمت ۲۴۱ و ۵۲۷).

■ مدیریت به‌عنوان عاملی برای اصلاح جامعه

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مسلمان را جز سه چیز اصلاح نکند: دین‌شناسی (التفقه فی الدین)، شکیبانی در گرفتاری‌ها (الصبر علی النائبه)، مدیریت نیکو در زندگی (حسن التقدير فی المعیشه)» (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۹۱).

■ الزام به تعیین مدیر در اجتماعات بیش از یک نفر

علامه مجلسی در شرح حدیث امام صادق علیه السلام که فرمود: اگر بر روی زمین از افراد انسان هیچ‌کس باقی نماند مگر دو نفر، هرآینه یکی از آن دو حجت و امام دیگری خواهد بود، می‌گوید: علت این امر آن است که مردم در زندگی اجتماعی برای حفظ نظام و معاش خود به امام و حاکم احتیاج دارند و از سوی دیگر، در زندگی فردی نیز به دلیل لزوم شناخت مبدأ و معاد و عبادات، به حجت و امام نیازمندند. حکمتی که باعث تشکیل اجتماع و مانعی برای اختلاف منجر به فساد در جامعه است، در خصوص زندگی دو نفر (جامعه کوچک) نیز وجود دارد و حکمت مزبور در صورتی تمام‌شده، تحقق می‌یابد که یکی از آن دو نفر، امام و رهبر بوده، اطاعت او بر دیگری واجب باشد (سلطان محمدی، ۱۳۸۹، ص ۶۹).

۳. مشخصه‌های رهبران و مدیران از دیدگاه اسلام

در خصوص ویژگی‌ها و مشخصه‌های مدیران، آیات و روایت‌های متعددی وجود دارد که در این مجال به برخی از آنها پرداخته می‌شود.

الف) ویژگی‌ها و مشخصه‌های مدیران در قرآن کریم

خداوند متعال در آیه ۲۴۷ سوره بقره می‌فرماید: «و پیامبرشان به آنها گفت: خداوند، طالوت را به پادشاهی شما برانگیخت. گفتند: چگونه او را بر ما پادشاهی باشد و ما به پادشاهی از وی سزاوارتریم و او را گشایشی از مال نداده‌اند. گفت: خدا او را بر شما برگزیده و در دانش و تن، فزونی قرار داده است و خداوند پادشاهی خود را به هر که خواهد دهد و خدا فراخی بخش و داناست». طالوت مردی بلندقامت و خوش اندام، نیرومند، بسیار زیرک، دانشمند و باتدبیر بود و برخی علت انتخاب نام طالوت را برای وی، همان قامت بلند او می‌دانند. وی با این همه شهرتی

نداشت و با پدرش در دهکده‌ای زندگی می‌کرد. او فرماندهی سپاه را به عهده گرفت و در مدتی کوتاه، لیاقت و شایستگی خود را در اداره امور مملکت و فرماندهی سپاه به اثبات رساند و سپس مردم را برای مبارزه با دشمن دعوت کرد. براساس این آیه، دانش و نیرومندی (قدرت فکری و جسمی) دو شرط اساسی زمامداری و مدیریت است و ثروت و نسب شرط اساسی رهبری نیست؛ بنابراین، باید افراد توانمند از نظر فکری و جسمی را برای رهبری سیاسی و اداری انتخاب نمود و حکم رهبر سیاسی و اداری را باید رهبر دینی تنفیذ کند؛ همان‌گونه که پیامبر زمان، حکم طالوت را تنفیذ نمود. خداوند متعال در آیات ۵۴ و ۵۵ سوره یوسف می‌فرماید: «وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِ اَسْتَخْلِصُهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ اِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ اَمِينٌ (۵۴) قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْاَرْضِ اِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ (۵۵)» و «شاه گفت: او را نزد من آورید تا وی را ویژه خودسازم. پس چون با او به سخن پرداخت، گفت: تو امروز به نزد ما ارجمند و امینی. گفت: مرا بر خزانه‌های این سرزمین برگمار که نگاهبان و دانایم». امانت‌داری از مهم‌ترین شاخصه‌های انتخاب مدیران است و این شاخصه برای مشاغل مالی و خزانه‌داری از اهمیت بیشتری برخوردار است. هرگاه لازم شد، افراد توانمند و امین، باید ظرفیت‌های خود را عرضه نمایند و داوطلب مدیریت برای خدمت به جامعه شوند؛ هرچند که شایستگی بالاتری نسبت به مافوق‌ها داشته باشند. از داستان حضرت یوسف علیه السلام، لزوم تعهد و تخصص به‌عنوان یکی از شرایط احراز مدیران قابل‌برداشت است. دوکلمه «حفیظ و علیم» که ظاهراً ناظر به توجیه گماردن حضرت یوسف علیه السلام بر امور اقتصادی حکومت است، اشاره به لزوم تعهد و تخصص است (صرامی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۰). خداوند متعال در آیه ۲۴ سوره سجده می‌فرماید: «و از آنان پیشوایانی قراردادیم که به فرمان ما راه می‌نمودند، از آن‌رو که شکیبایی ورزیدند و آیات ما را بی‌گمان باور می‌داشتند».

شرط پیشوایی و امامت دو چیز شمرده شده است: (۱) ایمان و یقین به آیات الهی (۲) صبر، استقامت و شکیبایی. خداوند متعال در آیه ۳۵ سوره یونس می‌فرماید: «پس آیا کسی که به سوی حق رهبری می‌کند سزاوارتر است پیروی شود یا کسی که راه را نمی‌یابد، مگر آنکه هدایت شود؟ شمارا چه شده، چگونه دآوری می‌کنید؟».

راه‌نما باید کسی باشد که راه را می‌شناسد و با خصوصیت‌ها آن آشناست و به اصطلاح از چم‌وخم‌ها و پستی و بلندی‌های آن آگاه است؛ بنابراین، اولین ویژگی امام این است که باید پیشاپیش دیگران حرکت کند، نه آنکه منتظر باشد تا فرد یا افرادی قدم در راهی بگذارند و او به

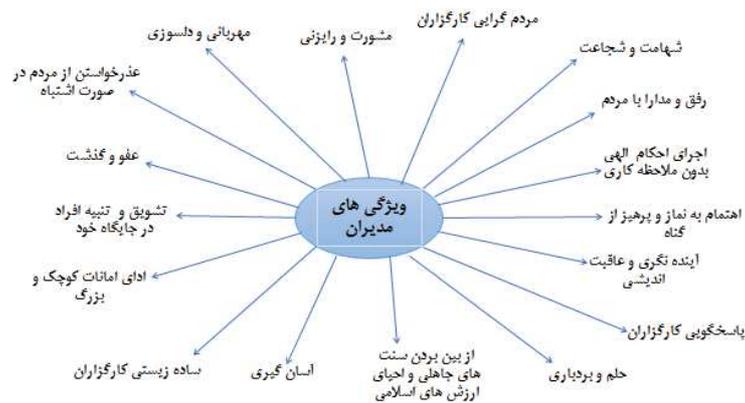
دنبال آنها حرکت کند (پیش‌گامی)؛ ویژگی دوم امام این است که باید راهی را که می‌خواهد در آن گام بنهد، به‌خوبی بشناسد، نه آنکه نیاز داشته باشد، کسی راه را به او بشناساند (بصیرت و شناخت)؛ سومین ویژگی امام نیز این است که باید توان دستگیری و هدایت دیگران را داشته باشد و بتواند دست آنها را گرفته و به دنبال خود به‌سوی مقصد راهنمایی کند (مدیریت). این سه ویژگی، حداقل ویژگی‌های امام است و کسی که برخی از این ویژگی‌ها را نداشته باشد، صلاحیت امامت و پیشوایی در هیچ سطحی را ندارد، عباد الرحمن که از خداوند درخواست می‌کنند که آنها را پیشوای پرهیزگاران گرداند، در پی این نیستند که مقامی پیدا کنند و دیگران زبردست آنها واقع شوند؛ بلکه این درخواست آنها ناشی از همت عالی و دید بالای آنهاست. آنان در مسیر عبودیت حق آنچنان متکامل شده‌اند که تنها به هدایت و سعادت خود قانع و راضی نیستند، بلکه می‌خواهند دست دیگران را نیز بگیرند و آنها را هم به سعادت و سرمنزل مقصود برسانند. آنها در واقع این مقام را برای خدمت به مردم و هدایت آنان درخواست می‌کنند؛ نه آنکه در پی این باشند که پست و مقامی کسب کنند تا دیگران به آنها احترام بگذارند (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۸، ص ۳۶۳-۳۶۶). برخی از آیاتی که ویژگی‌ها و وظایف حاکم اسلامی را بیان می‌کنند، عبارت‌اند از: سوره نساء، آیات ۱۰۵، ۱۴۱، ۱۵۱؛ سوره آل‌عمران، آیات ۲۸، ۱۰۰؛ سوره مائده، آیات ۴۸، ۴۹، ۵۱؛ سوره انسان، آیه ۲۴۸، سوره شعراء، آیه ۱۵۱؛ سوره بقره، آیه ۱۲۴، ۲۴۷؛ سوره منافقون، آیه ۸؛ سوره یوسف، آیه ۵۵؛ سوره اعراف، آیه ۱۵۷؛ سوره حج، آیه ۴۱ (مزینانی، ۱۳۸۹، ص ۶۴). در مجموع، نمونه‌هایی از صلاحیت‌های موردنیاز مدیر یا حاکم جامعه که در آیات قرآن کریم به آنها پرداخت شده (اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۵۰-۵۱)، عبارت‌اند از:

- شرط اسلام (نساء، ۱۴۱)
- شرط عدالت و ایمان (انسان، ۲۴؛ شعراء، ۱۵۱)
- شرط علم و عدالت (محمد، ۱۴)
- شرط عقل و تدبیر (نساء، ۵)
- شرط علم و تدبیر و سیاست (یونس، ۳۵ و یوسف، ۵۵)
- شرط عدالت و تدبیر و توانایی (قصص، ۲۶)
- شرط ذکوریت (نساء، ۳۴).

ب) ویژگی‌ها و مشخصات مدیران از دیدگاه معصومین

■ مشخصه‌های مدیران از منظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بنیان‌گذار حکومت دینی است که در سخن و سیره او، اخلاق با سیاست، حکمت با مصلحت و شیوه حکومت‌داری با راهکارهای عقلانی درهم آمیخته است. حکومت نبوی تابلوی بسیار زیبایی است که اصولی همچون عزت، اقتدار، عدالت، انسانیت، مردم‌گرایی، خیرخواهی، قانون‌مندی، مهرورزی، شایسته‌سالاری و... را به نمایش می‌گذارد (مزینانی، ۱۳۸۹، ص ۱۱). آنگاه که پیامبر صلی الله علیه و آله معاذبن جبل را به یمن و عمر بن حزم را به عنوان والی به قبیله بنی حارث فرستادند، دستورالعملی به آنها دادند که مشخصه‌های مدیران را می‌توان از درون آنها استخراج نمود. مهم‌ترین این ویژگی‌ها در شکل ۱-۱ آمده است.



شکل ۱-۱. مشخصه‌های مدیران از منظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

■ مشخصه‌های مدیران از منظر امیرمؤمنان علی علیه السلام

امیرمؤمنان علی علیه السلام مسند مدیریت را جایگاهی بزرگ می‌داند که متصدی آن باید دارای شخصیت و روحیه‌ای باشد که جایگاه مدیریتی، او را مقهور خود نکند و حجم کار او را درمانده نسازد. امیرمؤمنان علی علیه السلام خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «برای هر یک از کارهایت سرپرستی برگزین که بزرگی کاربر او چیرگی نیابد، و فراوانی کار او را درمانده نسازد»

(نهج البلاغه، نامه ۵۳). امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: حاکم اسلامی، پاسبان خدا در زمین اوست (نهج البلاغه، حکمت ۳۳۲). ایشان همچنین فرمودند: «عامل سقوط دولت‌ها چهار چیز است: ضایع کردن اصول، پرداختن به مسائل فرعی، پیش انداختن افراد ناشایست و کنارزدن شایستگان» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۸۰۰ به نقل از: منطقی و علیزاده، ۱۳۹۶، ص ۱۴۰). آن حضرت همچنین می‌فرماید: «این فرمان بنده خدا، علی امیر مؤمنان به مالک‌اشتر پسر حارث است، در عهدی که با او دارد، هنگامی که او را به فرمانداری مصر برمی‌گزیند تا خراج آن دیار را جمع آورد و با دشمنانش نبرد کند، کار مردم را اصلاح کند و شهرهای مصر را آباد سازد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). امیر مؤمنان علی علیه السلام تعهد مدیریت و عهد خود با مالک را در چهار کارکرد خلاصه می‌کند:

۱. مدیریت مالی و تأمین منابع مالی از محل خراج (جمع‌آوری خراج)؛
 ۲. جهاد با دشمنان اسلام (جهاد)؛
 ۳. اصلاح کارهای مردم (استصلاح)؛
 ۴. عمارت، آبادانی و پیشرفت حوزه تحت مدیریت (آبادانی)؛
- امیر مؤمنان علی علیه السلام در خطبه ۱۳۱، افراد دارای این ویژگی‌ها را شایسته رهبری نمی‌داند:
۱. بخیل که بر اموال مسلمین حریص می‌شود؛
 ۲. نادان که باعث گمراهی مسلمانان می‌شود؛
 ۳. ستمکار که حق مردم را غصب می‌کند؛
 ۴. بی‌عدالتی در تقسیم بیت‌المال که باعث مقدم نمودن گروهی بر گروه دیگر می‌شود؛
 ۵. رشوه‌خواری که باعث پایمال شدن حقوق مردم می‌شود؛
 ۶. کسی که سنت پیامبر را ضایع می‌کند امت اسلامی را به هلاکت می‌رساند (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱).

امیر مؤمنان علی علیه السلام در فرمان مبارک خود به مالک‌اشتر، خصیصه‌های یک مدیر مسلمان را بیان می‌فرماید (مقیم، ۱۳۸۰، ص ۳-۸) که این ویژگی‌ها در جدول ۱-۱ منعکس شده است.

جدول ۱-۱. خصیصه‌های یک مدیر مسلمان

ویژگی مدیران	شرح ویژگی یا خصیصه (مالک‌اشتر مخاطب است)
خودباور (متقی و پرهیزگار)	او را به پرهیزگاری در پیشگاه خدا و برگزیدن طاعت او فرمان می‌دهد. اگر منزلت و جاه فرمانروایی، در دلت سرکشی و خودبینی پدید آورد آنگاه به عظمت قدرت خداوند بنگر که برتر از توست و به قدرت او در آنچه به آن توانا نیستی نظاره کن که این کار سرکشی تو را بشکند.
شایسته	بر سر هر اداره یکی از آن‌گونه دبیران را بگذار که توان اداره آن را داشته باشد و گستردگی کار بر او فشار نیاورد و کار نافرجام نماند.
مسلط بر هوای نفس	بر هوسناکی‌ها چیره باش و دروغ دار که نفس خویش به چیزی که حلال نیست، بیالایی. از خودپسندی و شگفتی در خویش بپرهیز و همچنان درباره صفتی از اوصاف خود که خوشایند توست؛ پرهیز کن و بپرهیز از این‌که دلبسته آن باشی که در ستایش تو از اندازه بگذرند که همانا بهترین فرصت شیطان در این احوال است تا نیکوکاری نیکوکاران را بر باد دهد.
صاحب تجربه و حسن سابقه	ایشان را با توجه به پیشینه و همکاری‌شان با والیان نیک کردار که پیش از تو بر سرکار بوده‌اند، برگزین؛ پس در این کار به کسی روی آور که در توده مردم اثری نیکو داشته است و عاملانی این چنین را در میان کسانی بجوی که دارای تجربه بوده، حیا دارند و از خاندان پارسا که در مسلمانی پیش‌گام هستند.
امانت‌دار	پس در این کار به کسی روی آور که در امانت بیش از همه زبانتزد مردمان باشد. همانا اگر چنین کنی، دلیل فرمان‌برداری از خداست و به آن کس که به امر خدای تو را به این کار گمارده، خیرخواهی.
نرم‌خو	دل را سراپرده محبت توده مردم کن؛ بر آنان مهرورز و با آنان نرم باش.
میانه‌رو و معتدل	اما باید میانه‌روی در حق، گسترش عدالت و عمل به آنچه را که مایه دل‌خوشی توده مردم است، بیش از هر چیزی دوست بداری.
دارای سعه صدر	از همه برتر کسی را برگزین که دارای سعه صدر باشد و تنگ‌حوصله نباشد و مخاصمه طرفین دعوی او را به لجاجت نیندازد.
وفادار به عهد	پس نباید که در عهد و پیمان، روی به تباهی و نیرنگ داشته باشد. پیمانی میند که مقصود را به روشنی بیان نکند و رنگ و زیور نیرنگ داشته باشد. وقتی پیمان، استوار مؤکد کردی به حيله و توجیه روی نیاور.
داشتن بصیرت	اما بهوش باش که از دشمن پس از آشتی بر حذر باشی؛ چه بسا که دشمن به فریب و مکر به تو نزدیک شود تا تو را غافل گیر کند. شیوه احتیاط و دوراندیشی از دست مگذار و به دشمن گمان نیکو مبر.
معرفت‌پذیر	و تو را باید از دادگری فرمانروایان و سنت‌های نیکو که پیش از فرمانروایی تو روی داده است یا خبری که از پیامبر ﷺ ما نقل کرده‌اند یا فریضه‌ای از کتاب خدای را که بر پا داشته‌اند، یاد کنی و آنچه از آن امور دانی که ما به کار بسته‌ایم، از آن پیروی کن.
دارای تفکر سیستمی	بدان که توده مردم به دسته‌ها تقسیم شده‌اند و کار هیچ دسته جز به دسته دیگر راست نیاید و هیچ دسته از گروه دیگر بی‌نیاز نیست. گروهی سپاهیان خدایند و پاره‌ای دبیران رازدار، برخی دادرسان که باید عدالت را بر پای دارند و جمعی کارگزاران که باید به انصاف و مدارا به کار مردمان برسند، برخی دیگر از اهل ذمه که خراج گذارند و جماعتی سوداگران و پیشه‌ورانند و...
منصف و عادل	در مورد حق خدای و حقوق مردم و شخص خویش و خاندانت و کسانی که به آنان مهر می‌ورزی، انصاف را رعایت کن که اگر چنین نکنی بیداد کرده باشی.
قدرشناس	هنر هر کس را که به کاری بزرگ آزمایش شده است، بشناس و بستای و کوشش و فداکاری کسی را به دیگری نسبت مده. نباید در نظرت بدکار و نیکوکار برابر باشند که این روش مردم نیکوکار را به نیکوکاری بی‌رغبت کند و مردم بدکار را به بدکاری راغب سازد. باید هر یک را به آنچه به جای آوردند، پاداش دهی.
وارسی	برخی از اوقات خویش را مخصوص واریسی به حال نیازمندان و دادخواهان کن و بار عام ده و در آن مجلس برای خشنودی خدای را که تو را آفریده، فروتن باش و سپاهیان و پاسداران و محافظان خود را از آنان دور مدار تا بی‌نگرانی و گرفتگی زبان و بدون ترس با تو سخن بگویند.

ویژگی مدیران	شرح ویژگی یا خصیصه (مالک‌اشتر مخاطب است)
مدیریت زمان	کار هر روز را در همان روزه انجام برسان که هر روز را کاری است. بهترین وقت هر روز و بزرگ‌ترین بخش آن را مخصوص آن کن که به خدای پردازی؛ هرچند که اگر در چنان اوقات نیت پاک کنی و توده مردم از آن نیت پاک در آرامش و آسایش باشند، همه آن اوقات در راه خدای به کار رفته است.
پایش	خطاکار را کیفر ده، آن سان که از حد نگذرد و متناسب با جرمش باشد. دیگر آنکه در کار کارگزاریت بنگر و آنان را به آزمایش به کار گمار.
مثبت‌گرا	در عیب‌هایی که بر تو پوشیده است، کنجکاوی مکن که پاکیزه کردن امر آشکار بر توست و داوری کار پنهان با خداست. در آنچه گفتم بکوش تا به توده مردم حسن‌ظن یابی.
مشارکت‌جو	با دانایان و خردمندان در آنچه صلاح ملک است گفتگو کن و به تبادل نظر پرداز.
پاسخگو و مسئولیت‌پذیر	اگر توده مردم به اشتباه ستمگرت پنداشتند و بر تو خرده گرفتند، عذر خویش به‌صراحت با آنان در میان نه، با بیان آن، بدگمانی‌شان را از خویش بگردان که این کار تو را ریاضت نفس است و توده مردم را عرض پوزش و مدارا و به این کار، نیازی که توداری که مردم به حقیقت پی برند، برآورده می‌گردد. اگر دبیران تو را عیبی شد و تو از آن غافل مانی، به آن بازخواست خواهی شد.

۴. مدیریت از دیدگاه اسلام

در رأس هرم مدیریت خلقت، ذات اقدس باری تعالی قرار دارد که تمام قدرت هستی در اختیار اوست و تنها قدرت خداوند است که دارای اصالت است و سطوح پایینی، قدرت خود را از خداوند می‌گیرند. براساس آیه ۵۹ سوره نساء، خداوند متعال، مردم را به رعایت سلسله‌مراتب مدیریت و فرماندهی در جامعه اسلامی امر می‌فرماید و کتاب و سنت را فصل الخطاب اختلافات و تدبیر امور قرار می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ... ای کسانی که ایمان آوردید، خدا را اطاعت کنید و از پیامبر و کسانی که امر شما را در اختیار دارند و از خودتان هستند، پیروی نمایید». براساس این آیه شریفه، اطاعت از خداوند بر همگان واجب شده است و وظیفه هدایت جامعه بر عهده پیامبر اکرم ﷺ و همچنین امامان شیعه و در مرحله بعدی، فقیهان و عالمان دینی است که سکان مدیریت جامعه اسلامی را به دست می‌گیرند تا زمینه برای اداره امور جامعه و اصلاح امور از طریق فرمان دادن از موضع قدرت در سایه رحمت الهی فراهم گردد. با عنایت به آیات و روایات و همچنین دسته‌بندی اندیشمندان اسلامی، سطوح مدیریت در رویکرد مدیریت اسلامی را می‌توان در قالب شکل ۱-۲ بیان نمود (مقیمی، ۱۳۸۵، ص ۵۲).



شکل ۱-۲. سطوح مدیریت در سازمان آخرت‌گرا

باتوجه به اینکه مبحث اصلی در این تحقیق، مدیریت اسلامی است؛ از این‌رو، در ادامه مباحث، به شرح بیشتر مبانی نظری پیرامون مدیریت اسلامی پرداخته شده است.

۵. تعاریف مدیریت اسلامی

دستیابی به تعریف مدیریت اسلامی نیاز به تحقیق جدی دارد و با پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته، هنوز در تعریف مدیریت اسلامی به‌قدر مشترکی منتهی نشده است؛ بنابراین، ادعای ارائه تعریف شاید قدری ساده‌اندیشی باشد؛ ولی در عین حال شاید بتوان با اضافه کردن دو قید به تعریف مدیریت، برداشت تعریف گونه‌ی زیر را از مدیریت اسلامی ارائه داد:

«شیوه به‌کارگیری منابع انسانی و امکانات مادی، برگرفته از آموزه‌های اسلامی برای نیل به اهدافی که متأثر از نظام ارزشی اسلام است».

به‌کارگیری منابع انسانی باید مبتنی بر آموزه‌های اسلامی باشد؛ برای مثال اسلام می‌گوید قبل از به‌کارگیری انسان و اجیرکردن وی، اجرتش را مشخص نمایید یا آنکه قبل از آنکه عرق کارگر خشک شود، مزدش را بپردازید یا در پرداخت حقوق به اجیر، کوتاهی و تعلل نکنید؛ به او ظلم نکنید؛ او را مورد بی‌احترامی قرار ندهید؛ کرامتش را حفظ نموده، با او کریمانه رفتار کنید و... همچنین در به‌کارگیری منابع مادی، اسلام اجازه اسراف و تبذیر در فضای سازمان را نمی‌دهد؛ اجازه استفاده شخصی از اموال عمومی را صادر نمی‌کند؛ صرف بودجه غیرمعمول برای تزیین و دکوراسیون اتاق مدیران را مُجاز نمی‌شمارد و...

همچنین اسلام اجازه نمی‌دهد مدیریت انسان‌ها با هدف رسیدن به امری نامشروع و ضدارزش باشد؛ اهداف ضد ارزشی در مدیریت اسلامی، جایگاهی ندارد. باوجود اهمیت این

مفهوم، اما اگر چنین متوقع باشد که مدیریت اسلامی نیز همچون علم مدیریت، به صورت مکتوب و منظم دارای مجموعه‌ای از آموزه‌های طبقه‌بندی شده، وجود داشته باشد، باید اعتراف کرد که مدیریت اسلامی با این قید، تحقق خارجی ندارد و سال‌ها تلاش لازم است تا چنین انتظاری، محقق شود، اما این نافی وجود عینی مدیریت اسلامی در عالم اجرا نیست؛ زیرا مدیریت اسلامی همان شیوه‌ای است که در زمان صدر اسلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آن عمل نمود؛ آن حضرت مدت نسبتاً زیادی زمامدار جامعه اسلامی در مدینه بود و مدیریت کلان آن جامعه را بر عهده داشت. در زمان خلافت امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز، مدیریت کلان جامعه بر عهده آن امام همام بود و به طور مسلم آن حضرت به شیوه‌ای غیر از مدیریت اسلامی عمل نمی‌کرد.

از این دو بزرگوار، دستورالعمل‌های فراوانی در زمینه مدیریت صادر شده که با مراجعه به منابع اسلامی می‌توان آنها را جمع‌آوری، تحلیل و تنظیم نمود و به مدیران، به کارگیری آنها را توصیه کرد؛ زیرا وظیفه دینی مدیران مسلمان، مقتضی عمل به فرامین و دستورالعمل‌های صادر شده از سوی پیشوایان دینی است. برای نمونه، نهج البلاغه سرشار از نامه‌های مدیریتی آن حضرت به کارگزاران خود است که توصیه‌های ارزشمندی در این زمینه دارد؛ بهترین منشور مدیریتی را در نامه ۵۳ آن حضرت خطاب به مالک اشتر نخعی می‌توان یافت؛ همان نامه‌ای که به عهد مالک اشتر معروف گردید.

نکته قابل تأمل آنکه مدیریت اسلامی از مقوله اخلاق نیست؛ هرچند اخلاق بخشی از آن است. برخی تصور می‌کنند مدیریت اسلامی همان اخلاق مدیریت است و در مدیریت اسلامی خارج از مقوله اخلاق، چیزی یافت نمی‌شود؛ شاید این تصور از آنجا ناشی شده که آثار منتشره در زمینه مدیریت اسلامی، غالباً به مباحث اخلاقی پرداخته‌اند و از جنبه‌های دیگر آن غافل مانده‌اند؛ برای مثال گفته شده که مدیر باید سعه صدر داشته باشد؛ خوش برخورد باشد؛ حلیم و بردبار باشد و...

در زمان دفاع مقدس، کم نبودند فرماندهانی که با مدیریت مثال‌زدنی خویش، دفاع جانانه‌ای در مقابل تجاوز دشمن بعثی از خود نشان دادند و پیروزی‌های شگفت‌انگیزی را به ارمغان آوردند. اینان به حق باید گفت که مدیریت اسلامی را محور عمل خویش ساختند و در عمل، مدیران مسلمان پایبند به دستورالعمل‌های اسلامی بودند.

امامت، هدایت، رهبری، حکمت مدنی، حکمرانی، سیاست و مدیریت از جمله مفاهیمی هستند که در کانون توجه بسیاری از دانشمندان اسلامی قرار داشته و هر یک از آنها به فراخور

علائق علمی و شرایط زمانی و مکانی، به این مقوله‌ها پرداخته‌اند. با توجه به قرابت زیاد این مفاهیم با یکدیگر، نگارنده آنها را مترادف باهم در نظر گرفته و در هر جا که از این واژه‌ها استفاده شده است، مفهوم مدیریت و اداره امور را می‌توان معادل آنها در نظر گرفت. در این بخش، تعاریف مدیریت از دیدگاه اندیشمندان اسلامی بررسی می‌شود (مقیم، ۱۳۹۴، ص ۵۳).

جدول ۱-۲. مروری بر تعاریف مدیریت از دیدگاه اندیشمندان اسلامی

اندیشمند اسلام	مفهوم مدیریت	تعاریف مدیریت اسلامی
ابوریحان بیرونی	تولیت امر اجتماع	میتنی بر تجانس، مودت و همیاری است که برای سعادت اجتناب‌ناپذیر بوده، بر عدالت، قانون صحیح توأم با منصوبات الهی استوار است.
شیخ مفید	تدبیر، ریاست، امرونهی و نظارت، ولایت، امامت و خلافت، سلطان اسلام	والی خلق در جمیع امور دینی و دنیوی و کسی که ریاست مردم در امور دینی و دنیوی، هر دو، به نیابت از پیامبر به او واگذار شده است.
ابوالصلاح حلبی	امام ملت و ولی امر	متولی برطرف کردن خلل و احتیاجات اهل اسلام است.
شیخ طوسی	ناظر در امور مسلمین	ریاست عمومی فرد معینی بر امور دین و دنیای مردم که دارای دو جهت رهبری دینی و زعامت سیاسی است.
یحیی بن سعید حلی	امیر و حاکم	کسی است که می‌تواند و حق دارد که در منازعات حکم براند و معنای حاکم، تنها در زمانی تحقق می‌یابد که تنازع و تخصمی در کار باشد.
علامه حلی	سلطان	شامل امام معصوم: نایب امام و مأذون از سوی وی در عصر حضور، مأذون از سوی امام در عصر غیبت که همان فقیه جامع‌الشرایط است و منصوب حاکم شرع.
قطب‌الدین شیرازی	حکمت مدنی یا سیاست نبی	مدیریت تدبیری است که ایجاد روابط، هنجار، ساختار، نهاد، سازمان و اتخاذ خطمشی در اجتماعات مدنی براساس عدالت را بر عهده دارد تا سعادت دنیا و آخرت مردم را تأمین کند.
علامه جعفری	اداره‌کردن و سیاست	مدیریت حیات انسان‌ها چه در حالت فردی و چه در حالت اجتماعی برای وصول به عالی‌ترین هدف‌های مادی و معنوی.
خواجه نصیرالدین طوسی	سیاست مدن یا حکمت نبوی	تدبیر حیات جمعی و علم سازمان‌دهی و راهبری یک اجتماع اعم از شهر، کشور، جامعه جهانی و بین‌المللی که موضوع آن، راهبری حیات جمعی از وضع موجود، به وضع مطلوب (ایصال الی المطلوب است)
علامه مجلسی	امام و حاکم	امام، به منزله قلب، در بدن آدمی است که تدبیر و سیاست امت و اداره امور مردم را بر عهده دارد.
علامه مطهری	رشد، امامت، هدایت یا رهبری	رشد عبارت است از اینکه انسان شایستگی و لیاقت اداره و نگهداری و بهره‌برداری یکی از سرمایه‌ها و امکانات مادی و یا معنوی را که به او سپرده می‌شود، داشته باشد. یعنی انسان در هر ناحیه از نواحی زندگی، شایستگی اداره و نگهداری و بهره‌برداری از آن داشته باشد.

اندیشمند اسلام	مفهوم مدیریت	تعاریف مدیریت اسلامی
مسکویه	مدبر مدن	از تلفیق دین و سیاست نوعی از سیاست پدید می‌آید که آن را سیاست الهی می‌نامند و موضوع آن، اصلاح دنیا و آخرت انسان‌هاست که بر قوانین شریعت مبتنی است و وظیفه تأمین سعادت همه اجتماع را بر عهده می‌گیرد.
فارابی	علم مدنی یا سیاست	مطالعه در اعمال و رفتار و احوال ظاهری و باطنی انسان‌ها به منظور تسهیل راه‌های تحصیل سعادت آنها
علامه بحرانی	امامت یا خلافت	خلافت و امامت، ریاست عامه است در امور دین و دنیا به نیابت از پیامبر ﷺ
محقق اردبیلی	امام و رئیس	ریاست بر امور دینی و دنیوی مردمان، یک ضرورت عقلی است که کتاب و سنت نیز آن را تأیید کرده است؛ چراکه امر به مبدء و معاد انسان‌ها بدون حکومت و ریاست اولیای الهی منتظم نمی‌گردد و انسان‌ها قادر به انجام تکالیف و شناخت مصالح و مفاسد نخواهند بود.
نجم‌الدین راضی	ملوک دین و دنیا	ابزاری برای تأمین ضرورت‌های اولیه و نیل به تعالی انسان‌ها به حکم ضرورت شریعت و عقلی جهت نیل به قرب الهی و صلاح و کمال از طریق حکومت.
خواجه نظام‌الملک	شاه آرمانی	قرین شدن قدرت حکومت و مدیریت با عدل، دین و حکمت.
محمد غزالی	سلطان	حکومت و مدیریت بر سه رکن اساسی پیامبران، سلاطین و علما استوار است و به معنای اصلاح مردم و هدایت آنان به سوی سعادت و خوشبختی دنیوی و اخروی است.
ملاصدرا	مدیریت الهی و مدیریت انسانی	مدیریت عبارت است از تدبیر و هدایت جامعه از دنیا به سوی آخرت به منظور تقرب به خداوند متعال از طریق مدیریت الهی و مدیریت انسانی. مدیریت الهی مجموعه تدابیری است که از طرف شارع مقدس برای اصلاح حیات اجتماعی انسان در نظر گرفته شده است و انبیا و امامان شیعی متولیان واقعی این سیاست‌اند (سیاست عادلانه، سیاست قاهره، سنت عدل و قانون عدالت) و مدیریت انسانی نیز تلاشی عقلانی برای کشف حقایق و قانون‌مندی‌های حاکم بر پدیده‌های ارادی است که باتدبیر، حیات جمعی بشر را از وضع موجود به وضع مطلوب رهنمون می‌شود.
جلال‌الدین دوانی	علم مملکت‌داری	به جهت وجود انگیزه‌ها و منافع مختلف در افراد جامعه، تعارض منافع پیش می‌آید و ضرورت دارد که تدبیر و سیاستی بر جامعه حاکم شود که حداقل منافع و مصالح افراد را در راستای تعدیل منافع و مصالح به انتظام درآورد تا معاش و معاد افراد جامعه کامل شود.
ابوعلی سینا	قانون‌گذار عدالت‌گستر، سلطان، حکیم فقیه	حکومت از شئون کامل‌ترین فرد انسانی، یعنی نبی است و چون وجود نبی نمی‌تواند همیشگی باشد، حق حاکمیت برای حکیم فقیه به‌عنوان جانشین و کامل‌ترین فرد بعد از نبی است: حاکمی که قانون عادلانه بنا نهد، عدالت را محقق می‌سازد و در بین مردم زندگی می‌کند.

ابوعلی سینا بر این باور است که زندگی مدنی به «قانون‌گذار عدالت‌گستر» نیاز دارد تا قانون عادلانه را بنا نهاده، عدالت را محقق سازد و در میان آنها با این قوانین زندگی کند. ابوعلی سینا معتقد است که اخلاق و تدبیر منزل، در عرض و هم‌سطح علم مدنی (سیاست یا مدیریت) است؛